

<p>امروز در تاریخ:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۹۷</li> <li>تلفن: ۰۱-۲۳۰۴۰۰۰</li> <li>سازمان شهرستان‌ها... هاشمی، رفسنجان، ریس</li> <li>جمعه تنخیص مصلحت نظام (۱۳۹۶)</li> <li>امور مشترکین: ۰۵۸۷۹</li> <li>کد پستی: ۱۹۱۱۱۸۴۳۲</li> <li>قتل عام مدد پاناما توسعه ارتش ایالات متحده آمریکا (۱۹۶۴)</li> <li>معروف اولین کوشی آیفون از سوی استیو جابر (۱۹۷۱)</li> <li>شنبه: ۰۷-۰۶-۱۴۴۱</li> </ul>	<p>روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمایی جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین المللی ISO9001:2008</p> <p>شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۸   ۰۶ صفحه   سال بیست - شماره ۵۵۷۲ - استان تهران و البرز - تهران - دیگر استان‌ها - اتومان   ۹۱-۰۱-۱۴۴۱</p> <p>پنجشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۸   ۰۶ صفحه   سال بیست - شماره ۵۵۷۲ - استان تهران و البرز - تهران - دیگر استان‌ها - اتومان   ۹۱-۰۱-۱۴۴۱</p>	<p>امام حسین (ع)</p> <p>هر کس حق مغوبیت خدا را بآورد.</p> <p>خداوند پیش از حد انتظار و کفایت نش با او</p> <p>عظامی کند.</p>
<p>نهج البلاغه</p> <p>حکمت: ۴۶</p> <p>گناهی که تواریخ شیمان کند بهتر از کار</p> <p>نیک است که تواریخ خود بسندی و اداره.</p>	<p>شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۸   ۰۶ صفحه   سال بیست - شماره ۵۵۷۲ - استان تهران و البرز - تهران - دیگر استان‌ها - اتومان   ۹۱-۰۱-۱۴۴۱</p>	<p>مولوی</p> <p>اوست نشسته در نظر من به کجا نظر کنم</p> <p>اوست گرفته شهر دل من به کجا سفر برم</p>



شاید ۱۷۵۵۵۷۳۷-۰۶  
با گذاشتن رسانی:  
www.jamejamdaily.ir  
پست الکترونیک:  
info@jamejamdaily.ir



پنجشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۸ | ۰۶ صفحه | سال بیست - شماره ۵۵۷۲ - استان تهران و البرز - تهران - دیگر استان‌ها - اتومان | ۹۱-۰۱-۱۴۴۱

Thursday - 2020 January 9

وقایع: اذان ظهر: ۱۷:۰۸  
غروب آفتاب: ۲۲:۲۲  
اذان مغرب: ۲۲:۲۲  
نیمه شب شرعی: ۰۵:۰۵  
طوط خوشبید (فردا): ۰۷:۱۵

وقایع: اذان ظهر: ۱۷:۰۸  
غروب آفتاب: ۲۲:۲۲  
اذان مغرب: ۲۲:۲۲  
نیمه شب شرعی: ۰۵:۰۵  
طوط خوشبید (فردا): ۰۷:۱۵

# هیچ مثل قرآن به من آرامش نمی‌ده



علی مظاہری

روزنامه‌نگار

سپاهد شهید سلیمانی

حماسی خاصی سرشته سخن به دست گرفت (هوای تازه) و سرآخ: عذرمندی خوام در اثر هیجان، حرفان

بریده... لُت مطلب روتیز کنین و بداری!

گفت و گو با استاد نصرانی... افجهای چهره ماندگار نقاشی خیل

ر، قراهای نهایی بقیه به زنگ بزن و بیان قراهای قطعی هم که ونشه، اما هیچ کدوم شون در هنگامه این نقطه عطف تاریخی می‌باشد. بر روحانی سرشناس: بد قول لاته‌های دهن مون پرخونه بدارای دوشه روزگاره، آن هنرمندان این چهه ماندگار اون سیاستمدار و این استاد دانشگاه همه و همه به هر رخنه، اندوه‌گین اما برق خنثه و متقد و شنجه کین خواهی باستاد افجهای (چهره بحق و بیان) شک ماندگار نقاشی خط پایان زیخه بس دل انگزو چشم نواز و بدیع آیا (پیش ازین روزها سخن زیده برای نهایی کردن گفت و گو، قرار گلیم مون مصادف شد با حادثه شهادت سردار بزرگ ایران پسیده شیده سلیمانی، بدون طرح هیچ پرسشی با بغضی غلیظ و غمی جنگ خواره برایان گیتگن حمامی خاصی سرشته سخن به دست گرفت (هوای تازه) و سرآخ: عذرمندی خوام در اثر هیجان، حرفان بشیده... لُت مطلب روتیز کنین و بداری!

در نمایشگاه آثار جوانها و نوجوانها؟

کار شنیدگ که می‌بنم (چون طرف خونونه) خلافه بگم

قشنگ نیست.

تی تابلوبردی از نهایشگاه؟

مثلی به سبی سست که به درخت آویز شده اون نفس آدمه روی دیوار و قیتی می‌بنم

خوشم میاد.

تی سه زنگ اصلی؟

برای ماعالیه. قوس و قزح

ماست.

تی خوشبینی؟

بدین نیستم به هچ کس.

تی نیمه خالی پایا لیوان؟

چون آدم ریخت و پاش هستم

همیشه نیمه پر لیوان رو

می‌بنم.

تی دست بدده بایکیر؟

دست بسته رو باز کن تایه

کسی چیزی از تو شدرا و یکی

چیزی تو شدرازه دست من

همیشه بازه.

تی نهارتی خوشبینی شد؟

براشون کنم نیزه دارم.

تی از خود که از بیرون؟

در جوانی آوار می خوندم

همجنین قرآن، صدای خوبی

دادشم.

تی قرأت به چشیده؟

به سبک نجفی کرمانشاهی

می خوندم به من احسنت

کفته و جایزه دادم...

تی ناخوشی؟

بالاست برای چی باید گرور

درینه که همیشه از میان

کاملاً باهش متوافقام. سام

بالاست برای چیزی که هنرمند باهش

زندگی می‌کند؟

خوب است اتفاق کار

دست بدده باید کاری؟

درینه که همیشه از میان

باید کاری باید بیان

ای دل اندیزند لفشن از

پریشان میان / مرغ زدی چون

به دام افتاده باید باید.

تی توی کارگاهون پشت اون میز

برگ، وقت کار

با خودم آواز می خونم برای

خودم، تا جایی که اهل منزل

نذکری دن بویاش ترا

با صدای بنان زنگی می‌کدم

خدا یامزده زنگی؟

به شناور درون احساس...

تی این خلاقیت و فقار خلاق؟

ترسوهست اصولاً

تی از کی و چی می‌ترسین؟

فقط از خدمای ترسن نه چیز

دیگ...

نیستین؟

من همه کارمی کنم جز نوشتن؛

با خدمه کارمی کنم از داشته باش...

یک گوشه ای داشته باش...

عنی اون عمل و فعل اش رو

حواس نیست ا!

آکه تکرار نباشه: ای دل اندر بند

زفتش از پریشانی میان...

دست راست من پرگارمنه...

بدوند که دوران جوانی خوشی

وقایع که آدم داشت

بشه و بک موضعی رو ببینه

بلافاصله بیتی می سازه به

همون صورت خوشنوسی هم

باید یک ایما اشاده ای [الهامی] از

یک گوشه ای داشته باش...

تی پیشورون خوشنوسی ها/

نقاشی خط؟

در دوره معاصر جوانانی قدر

بدوند که دوران جوانی خوشی

وقایع که آدم داشت

&lt;p